


نوع مقاله: ترویجی

بررسی مبانی نظری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با تأکید بر کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام

سیدحامد عنوانی / استادیار دانشکده علوم پزشکی اسدآباد همدان

h.onvani@asaums.ac.ir  orcid.org/0009-0000-6258-656X

mortazavi-m@um.ac.ir

fakhar@um.ac.ir

سیدمحمد مرتضوی / دانشیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

وحیده فخار نوغانی / دانشیار گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

چکیده

آخرین ترفند نظام سلطه برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی، جنگ اقتصادی است. مقام معظم رهبری برای خنثاسازی این حربه مؤلفه‌هایی را برای اقتصاد مقاومتی طراحی و ابلاغ کرده است. از آنجاکه الگوی عملی نظام اسلامی، حکومت علوی است و با فرض اینکه امام علی علیه السلام در حکومت خویش با سیاستی الهی به تدبیر معیشت مردم زمان خویش پرداخته است؛ این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه در کلام و سیره امیر مؤمنان علیه السلام تبیین یافته است؟ بررسی‌های انجام‌شده به روش استنادی - تحلیلی در نهج البلاغه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، از قبیل: عدالت اجتماعی، تکیه بر ظرفیت داخلی، مبارزه با فساد اقتصادی، رویکرد جهادی، خودکفایی در نیازهای اولیه، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، به‌طور چشم‌گیری مورد اهتمام امام علی علیه السلام بوده است. با ترسیم مبانی اعتقادی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی گام بلندی به سوی نهادینه‌شدن گفتمان علوی، با هدف فرهنگ‌سازی آن در بین آحاد مردم برداشته می‌شود؛ تا بدین طریق مسئولان اجرایی کشور به دلیل مسائل اقتصادی، خود را ناگزیر به دست‌کشیدن از اهداف ایدئولوژیک و انقلابی نپندارند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، امام علی علیه السلام، عدالت اجتماعی، اصلاح الگوی مصرف، مبارزه با فساد اقتصادی.

مقدمه

انقلاب اسلامی منافع سلطه‌گران جهانی را به‌خطر انداخته و آنان برای به زانو درآوردن نظام اسلامی - که مظهر مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه است - روش‌های متعددی را به‌کار گرفته‌اند که آخرین اقدام آنان جنگ اقتصادی است. از مهم‌ترین ابعاد این نوع تقابل، اعمال تحریم‌های اقتصادی است. فرایند تحریم‌ها تا کنون تحریم‌های بازدارنده، گزنده و فلج‌کننده را طی کرده است که در آخرین مرحله تحریم‌های فلج‌کننده، تحریم اقلام موردنیاز و ضروری کشور - مثل دارو و ادوات پزشکی - را نیز شامل شده است. مقام معظم رهبری برای خنثاسازی این حربه دشمن و بالطبع رشد و تعالی کشور «اقتصاد مقاومتی» را طراحی کرده است.

رهبر معظم انقلاب در شرح دیدگاه اقتصادی نظام اسلامی در موضوع اقتصاد مقاومتی و در راستای عملیاتی‌شدن هرچه سریع‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر این دیدگاه در مورخ ۹۲/۱۲/۲۰ در بیاناتی مهم و راه‌گشا، مهم‌ترین موارد و محورهای کلیدی در موضوع ویژگی‌های این دیدگاه را با عنوان «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی» در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی تبیین کردند. منظور از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های الگوی اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های نقشه راهی است که التزام به تحقق فراگیر و کلی آنها در کنار یکدیگر به تحقق عملی و عینی سیاست‌های چنین اقتصادی منتهی می‌شود. این ویژگی‌ها در بیان رهبر انقلاب شامل ده مؤلفه است؛ عدالت اجتماعی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا، تکیه بر ظرفیت داخلی، رویکرد جهادی، مردم‌محوری، امنیت اقلام راهبردی و اساسی، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف، فسادستیزی و دانش‌محوری. البته موارد متعددی دیگری برای مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ذکر شده است؛ همچون ایجاد تراز اقتصادی مثبت (مورخ ۹۳/۹/۶)، ریشه‌کنی فقر (مورخ ۹۳/۲/۲۳)، تکیه بر تولید ملی (مورخ ۹۳/۱/۱)، حاکمیت قانون (مورخ ۹۴/۶/۴)، مبارزه با رکود اقتصادی (مورخ ۹۴/۶/۴)، خصوصی‌سازی (مورخ ۹۴/۶/۴)، استحصال از معادن به دور از خام‌فروشی (مورخ ۹۴/۶/۴). اما به‌نظر می‌رسد این موارد مصادیقی از کلیات همان ده مؤلفه اصلی جلسه بهمن ۹۲ است و می‌توان در ذیل آن موارد ده‌گانه مطرح شوند.

امامین انقلاب، الگوی عملی نظام اسلامی را حکومت علوی

می‌دانند؛ امام خمینی^ع در این باره می‌فرمود:

تمسک به مقام ولایت آن بزرگوار به اینکه گرچه ما و بشر نمی‌تواند به تمام معنا آن عدالت اجتماعی و عدالت حقیقی را که حضرت امیر^ع قدرت بر پیاده‌کردنش داشت، نمی‌توانیم ماها و هیچ‌کس، قدرت نداریم که پیاده کنیم؛ لکن اگر آن الگو پیدا شده بود و حالا هم ما باید به یک مقدار کمی که قدرت داریم، تمسک کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۱۵۳-۱۵۴).

رهبر معظم انقلاب نیز حکومت امیرمؤمنان^ع را پیشوای عینی جمهوری اسلامی و اقتصاد مقاومتی را یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ اسلامی دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۷۹/۱/۱ و ۹۲/۱۲/۲۰). علاوه بر این، ایشان دائماً بر لزوم اسلامی کردن علوم انسانی و تولید علم و فناوری با تکیه بر فرهنگ عمیق اسلامی تأکید دارند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸۲/۸/۸).

با ابتناء نظام اسلامی بر الگوی حاکمیتی امام علی^ع، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که مبانی نظری این مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه به کلام امیرمؤمنان علی^ع قابل استناد است؟

بی‌شک یکی از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگ اسلامی، سیره امیرمؤمنان^ع است که از بهترین راه‌های بررسی این سیره، رجوع به کتاب شریف نهج‌البلاغه است. از سوی دیگر معظم‌له، مأموریت تبیین اصطلاح اقتصاد مقاومتی را بر عهده دانشگاهیان نهادند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۱/۵/۱۶). با توجه به ضرورت انکارناپذیر معرفی بنیان‌های ایدئولوژیک اقتصاد مقاومتی، مهم‌ترین روش تبیین این نوع دیدگاه در جامعه اسلامی، مستند کردن مبانی نظری آن به سیره و سنت امیرمؤمنان^ع است.

فرض این مسئله آن است که در متون دینی بخصوص نهج‌البلاغه می‌توان شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی را ره‌گیری کرد؛ زیرا در زمانی که امام علی^ع در مسیر رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه، سکان‌دار رهبری اقتصادی جامعه اسلامی نیز بوده است؛ برای مدیریت اقتصادی جامعه، سیاستی خاص را اعمال می‌کرده که می‌تواند منبع الهام سیاست اقتصاد مقاومتی تلقی شود. این مدیریت در قالب یک سخنرانی یا نامه و امثال آن با عنوان یا محتوایی به‌نام اقتصاد مقاومتی مطرح نشده است. اما در سخنان گهربار حضرت می‌توان اهتمام ایشان را برای نهادینه کردن نوعی از حیات بشری و سبکی از زندگی

۲. تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کلام

امیرمؤمنان علیؑ

۲-۱. عدالت اجتماعی

اجرای عدالت اجتماعی به معنای ایجاد برابری و توازن، یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل ارتباط انسان با خداست (جهانیان، ۱۳۸۹). بشر همواره مزیت‌هایی که خود را مستحق آن می‌داند، مطالبه می‌کند و در مقام اندیشه‌ورزی و تعاملات سیاسی، مفهوم عدالت را با مفهوم حق و اقامه آن پیوند می‌دهد (درخشه و فخاری، ۱۳۹۵). اهمیت عدالت اجتماعی به‌حدی است که خداوند تعال آن را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف رسالت انبیاء دانسته است (ر.ک: حدید: ۲۵). رهبری این مقوله را به‌عنوان اولین شاخصه مطرح کرده است. ایشان در نظریه اقتصاد مقاومتی، رشد اقتصادی بالا را به‌تنهایی نشانه یک اقتصاد موفق نمی‌دانند؛ بلکه در کنار این عامل، نبود تبعیض و اختلاف طبقاتی را از ضروریات می‌دانند. رشد اقتصادی در جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که همه طبقات نیز از این پیشرفت بهره‌مند شوند؛ چنانچه می‌فرماید: «یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امامؑ عدالت را موجب بقاء خلق، مترادف انصاف، مایه بقاء قوانین و ثبات حکومت‌ها، معیار ارزشمندی سیاست‌ها، فضیلت حاکمیت، نجات‌دهنده مردمان، برترین سیاست‌ها، وسیله جلب رحمت الهی، بالاترین مرتبه ایمان، غنی‌ترین ثروت، رفع‌کننده اختلاف و عامل همبستگی، برترین نشانه تعقل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹، ۳۳۱، ۳۳۹، ۳۴۰، ۴۴۶) رأس و بالاترین مرتبه ایمان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶ ص ۸۱) و امثال آن معرفی می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت و ارزش ذاتی عدالت برای برپایی یک حیات معقول بشری است. جایگاه عدالت به‌گونه‌ای است که امامؑ آن را در عرض جهاد، صبر و یقین از ستون‌های چهارگانه ایمان مطرح شده است (نهج‌البلاغه، ۴۱۴ق، ص ۴۷۳).

در مرام حضرت امیر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در میان مردم است. این امر علاوه بر اینکه سبب دفاع از حق مظلوم می‌شود که از مقومات علل تشکیل حکومت دینی است (خطبه ۱۳۶، ص ۱۳۴)؛ باعث رونق تولید و

براساس نوعی اقتصاد مقاومتی مشاهده کرد. بستر چنین فرضیه‌ای از آنجاست که نظریه اقتصاد مقاومتی - به‌دلیل پیوند دین با همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان - با اقتصاد اسلامی پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. بدین سبب مبانی اقتصاد مقاومتی که توسط رهبری تبیین شده، لازم است در ظرف ادبیات اسلامی تبیین و تفسیر شود؛ چراکه ایشان در بیانات متعددی به‌ضرورت در نظر گرفتن مبانی و ارزش‌ها در علوم انسانی و ازجمله الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تأکید دارند (ر.ک: بیانات رهبر معظم انقلاب، ۷۴/۲/۲۸ و ۹۰/۶/۲).

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن ارائه تعریفی از نظریه اقتصاد مقاومتی در بستر حکومت اسلامی، به تطبیق برخی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی با کلام نورانی حضرت امیر پرداخته شود.

شایان ذکر است هرچند در خصوص مستندسازی دینی نظریه اقتصاد مقاومتی تحقیقاتی همچون مقاله‌های «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (ترابزاده چهارمی، ۱۳۹۲)؛ «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» (میرمعزی، ۱۳۹۲) تألیف شده‌اند؛ ولی تاکنون اثری که در آن به‌طور اختصاصی نحوه ابتناء مؤلفه‌های این دیدگاه براساس الگوهای مطرح شده در **نهج‌البلاغه** مطرح شده باشد؛ مشاهده نشده است.

روش انجام تحقیق، روش تحلیل داده‌هاست که از آثار امیرمؤمنان علیؑ و با محوریت کتاب **نهج‌البلاغه** و با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب انجام می‌شود.

۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار توسط رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان راهکار مواجهه با تحریم اقتصادی دشمن به‌کار برده شد.

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته

باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ

بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع

اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر

ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات رهبر

معظم انقلاب، ۹۱/۶/۲؛ ۹۱/۵/۸؛ ۹۳/۱/۱).

بزنید، و با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن برسانید، و بدانید که در پیش روی خدا و پسر عمومی پیغمبر ﷺ قرار دارید؛ پی در پی حمله کنید» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۶۵ ص ۵۱).

۲-۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

ترویج مصرف کالاهای خارجی که ثمره‌اش کاهش تقاضای اجناس داخلی و بالطبع بیکاری گسترده در کشور است؛ ضمن وابستگی اقتصادی و فرهنگی، موجب می‌شود که افزون بر خروج سرمایه از کشور، تورم نیز ایجاد شود. مقام معظم رهبری با عنایت به اصل مهم استفاده از نیروهای داخلی می‌فرماید: «نکته سوم، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است که در این سیاست‌ها دیده شده‌اند. نگاه ما، تکیه ما، اعتماد ما بیشتر بر روی مسائل داخلی است؛ تمرکز ما روی امکانات داخلی کشور و داشته‌های درونی کشور است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امیرمؤمنان ﷺ با توجه به اصل استقلال اقتصادی عنایت ویژه‌ای بر ظرفیت‌های داخلی مردم تحت حکومت خویش داشتند و استفاده از تولیدات بیگانگان را امری مذموم و عین ذلت و خواری می‌دانستند؛ «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يُبَسَّوْا لِبَاسِ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۱۰)؛ مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و غذاهای آنان استفاده نکنند همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد. راهکار ایشان در عنایت خاص به اقشار تولیدکننده داخلی عمدتاً در دو محور کشاورزی و صنعت قابل بررسی است.

الف. کشاورزی

در زمان امام ﷺ، اقتصاد جامعه در درجه اول بر زمین و محصولات آن استوار بود و کشاورزان بزرگ‌ترین، مؤثرترین طبقه و مرکز ثقل جامعه محسوب می‌شدند. براین اساس رفاه اقتصادی وابسته به این است که بهترین امکانات در اختیار کشاورزان قرار گیرد تا در نگهداری زمین، آماده کردن آن و برداشت بهتر و بیشتر، آنها را یاری دهد (شمس‌الدین، ۱۳۶۱، ص ۸۵-۸۶). امیرمؤمنان علی ﷺ توسعه کشاورزی و احیای زمین را مستند به قول خداوند می‌داند و می‌فرماید «خداوند می‌فرماید: اوست که شما را پدید آورد و به عمران و آبادی دعوت کرده است. خداوند متعال انسان‌ها را به

خارج کردن منابع از انحصار عده‌ای خاص و بهره‌وری بیشتر از اقشار مستعد کار جامعه است. از مصادیق عدالت اجتماعی این است که همه مردم بتوانند از امکانات و مواهب تشکیل حکومت در راستای تقویت بنیه اقتصادی و توسعه در معیشت خود بهره ببرند. بزرگ‌ترین عاملی که شیرازه جامعه را از هم می‌گسلد، روابط را بر ضوابط حاکم کردن و تبعیض قائل شدن در میان افراد است (قربانی، بی‌تا، ص ۱۱) از این رو امیرمؤمنان علی ﷺ به مالک اشتر تأکید می‌کند که «والی را نزدیکانی است و خویشاوندانی که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کم‌تر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن بر آر و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به بخشش و امگذار» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳ ص ۳۳۸).

۲-۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا

یکی از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی ایستادگی و مقاومت در برابر تهدیدات احتمالی دشمن است که با عنوان «توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا» بیان شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰). البته جنگ اقتصادی در دوره کنونی از مصادیق و میداین عینی و مهم نبرد و تخاصم جبهه حق و باطل است و چه‌بسا از جنگ نظامی تلفات و خسارات بیشتری دارد. آنچه از کلام حضرت امیر در باب تهییج بر جنگ و آمادگی بر آن ذکر می‌شود، به‌طریق اولی شامل حفظ آمادگی در برابر انواع تخاصمات دشمن از جمله جنگ اقتصادی نیز می‌شود. حضرت در نامه نهم *نهج البلاغه* خطاب به معاویه، مقاومت خویش در برابر هجمه‌ها را با سابقه‌های همان زمان با رسالت پیامبر می‌داند که هرگز پای خود را از میدان استقامت عقب نکشیده است. حضرت خصوصاً در میدان کارزار اصحاب خویش را به مقاومت و آمادگی در برابر دشمن فرامی‌خواند فرامین نظامی ایشان در خطبه ۶۵ که در لیلۃ‌الهریر یا نخستین دیدار سپاهیان شام در جنگ صفین فرمودند گویای تهییج سربازان بر استقامت بر مسیر حق و عدالت است: «ای گروه مسلمانان، لباس زیرین را ترس خدا، و لباس رویین را آرامش و خون‌سردی قرار دهید؛ دندان‌ها را برهم بفشارید تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد؛ زره نبرد را کامل کنید؛ پیش از آنکه شمشیر را از غلاف بیرون کشید چند بار تکان دهید؛ با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرود آورید؛ و با تیزی شمشیر

است. ایشان شاخصه چهارم از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را این‌گونه متذکر شده‌اند: «نکته چهارم، رویکرد جهادی است... یک همت جهادی لازم است؛ تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است» بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰.

ایشان ویژگی آن را اینچنین ذکر می‌کند: «مدیریت جهادی همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۰/۲۳/۱۳۹۲).

اهمیت تبیین مدیریت جهادی از دیدگاه حضرت علیؑ تا بدان حد است که در اندیشه ایشان هیچ خطری برای جامعه اسلامی، همچون خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت یا کم صلاحیت نیست. آن حضرت در نامه ای به مصریان چنین هشدار داده است: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۲ ص ۳۴۷). برخی از معیارهای رهبری برای مدیران جهادی در سیستم مدیریتی علوی قابل پی‌گیری است که در ادامه به دو مورد از آنها اشاره خواهد شد.

الف. کار و تلاش همراه با نیت الهی

در هر برهه‌ای از زمان، نبرد مصداق و شکلی مخصوص به‌خود دارد. تحریم‌هایی که در مقابل اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود در دوران کنونی مصداق اتم و اکمل جنگی ظالمانه و ناعادلانه است. امامؑ در نبرد با دشمنان خویش ضمن دعوت به تلاش مخلصانه در مسیر مبارزه، خود نیز از کار و تلاش در مسیر تحقق آرمان‌های الهی و آبادانی جامعه دریغ نکرد (دستی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵-۲۷۴)؛ چنانچه حضرت می‌فرمودند: «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۳۰، ص ۲۶۳)؛ بر شما باد کوشش و کوشیدن. محققان در موضوع تلاش در میدان مبارزه عبارت «بندها را محکم بندید» را معادل «فَشُدُّوا عَقَدَ الْمَأْرِرِ» (همان، خطبه ۲۴۱، ص ۲۶۹) ذکر کرده‌اند و آن را کنایه از آمادگی و مهیا کردن خود برای کار، تلاش و جهاد دانسته‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۱). از مصادیق مدیریت جهادی عمل صالح خالصانه در مسیر تحقق اهداف حاکمیت دینی است. روایاتی که از امامؑ درباره کار و تلاش نقل شده دربردارنده اهتمام حضرت بر نفی کسالت و رخوت از جامعه

عمران و آبادانی زمین امر کرده است، تا انسان‌ها به‌واسطه محصولات و زمین خارج می‌شود، از قبیل غلات، حبوبات، تأمین معاش کنند» (حرعاملی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۹۵).

به‌نظر می‌رسد از همه صنوفی که حضرت امیرؑ از آنها نام می‌برد، قربت کشاورزان به زمین بیشتر باشد و کشاورزان بیشترین اهلیت را دارند که اهل زمین انگاشته شوند. از سویی دیگر در منظر امامؑ زبان نابسامانی کار کشاورزان هرگز در محدوده زندگی خود آنان نمی‌ماند، بلکه آثار خود را به همه پیکر جامعه می‌گستراند، سرانجام به ازهم‌پاشیدگی و نابودی می‌کشاند؛ بدین جهت حضرت می‌فرماید: «خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۴)؛ همانا ویرانی زمین به‌جهت تنگدستی کشاورزان است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۸۱).

ب. تجارت و صنعت

در نامه ۵۳ حضرت با برشمردن طبقات اجتماعی جامعه، ازجمله نظامیان، کاتبان، قضات و... می‌فرماید: «أَلَا قَوْمَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالتَّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ»؛ کار این جمله استوار نگردد جز با بازرگانان و صنعت‌گران (نامه ۵۳، ص ۳۳۰). با تحلیل معنای «قوم» می‌توان گفت در دید علوی پایه‌های هستی‌بخش یک جامعه براساس این دو قشر انتظام می‌یابد (فیومی مقری، ۱۹۸۷، ص ۱۹۸؛ طریحی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۳۱؛ معلوف، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۵۸)؛ چراکه بی‌تردید تجارت مظهر فعالیت‌های اقتصادی در همه زمان‌هاست که در موجودیت جامعه سهم مهمی دارد. ازاین‌رو به ملاک درباره آنها سفارش کرد: «سَتَوْصُ بِالتَّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصُ بِهِمْ خَيْرًا... وَ تَقَفَّدُ أُمُورَهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۵)؛ نیکی به بازرگانان و صنعت‌گران را بر خود ببذیر و سفارش کردن به نیکویی درباره آنان را به عهده بگیر... و به کار آنان بنگر.

۲-۴. رویکرد جهادی

اتخاذ صرف برنامه‌ای اقتصادی بدون عزم لازم و روحیه بالای مدیران، قابل تحقق نیست. برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز به مدیریتی صحیح و بایسته نیازمند است؛ زیرا عزم بالا و روحیه خودباوری مدیران در این زمینه بهترین ابزار کارآمدی آنان خواهد بود. برنامه مدیریتی مدنظر رهبری همانا مدیریت جهادی

برجسته، اسوه‌ای نیکوست؛ چنانچه ابن‌ابی‌الحدید معتزلی در وصف حضرت می‌نویسد: «فضلهم امیرالمؤمنین بانه كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ، وَ يَحْرُثُ الْأَرْضَ، وَ يَسْتَسْقِي الْمَاءَ، وَ يَغْرَسُ النَّخْلَ، كُلُّ ذَلِكَ يُبَاشِرُهُ بنفسه الشريفه» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۵، ص ۱۴۷). ایشان حتی گاه با اجیر شدن برای پیرزنی، فقط کسب روزی حلال و مفید واقع شدن را مد نظر می‌گرفتند (اربلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۷۵).

ب. درایت

معیار ضروری دیگر در تحقق مدیریت جهادی، برخورداری مدیران از درایت است. در احادیث اسلامی همواره تأکید شده که در انتخاب افراد به صلاحیت علمی و توانایی آنها دقت و توجه بیشتری شود و هرگز کسانی را که از نظر علمی ضعیف‌اند و آگاهی‌های لازم را ندارند بر کاری نگمارند؛ زیرا که چنین کاری بزرگ‌ترین خیانت به جامعه اسلامی است. امیرمؤمنان علیؑ در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۲ می‌فرماید: «إِيَّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»؛ ای مردم همانا سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و زمامداری) کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل باشد.

۲. حضور مردم

پرواضح است که نهادینه شدن اقتصاد مقاومتی در گرو پذیرش آن توسط توده‌های مردم و باطبع حضورشان در وسط میدان اقتصادی است. اهمیت مردمی‌سازی اقتصاد بدین خاطر است که تا مردم با درک حساسیت موضوع، خود را ملزم به اجرای سیاست‌ها و لوازم اقتصاد مقاومتی ندانند، هیچ طرحی به نتیجه نخواهد رسید. با حضور مردم، فقط قدرت حاکمه بر مردم نیست که در برابر فشارهایی همچون تحریم مقاومت می‌کند؛ بلکه مردم خود را شریک در پیشرفت و مقاومت حس کرده و با جهادی کردن سبک زندگی برای مقابله با تهدیدات بسیج می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب با توجه به این مهم فرموده‌اند: «نکته پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. «يُدَّأَلُّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

مسلمین و تحریض مردم برای فعالیت اقتصادی در هاله‌ای از تقوا با صبر و استقامت است؛ و «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَ الْاسْتِقَامَةُ الْاسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶، ص ۱۸۳)؛ به کار بر خیزید، به کار بر خیزید؛ پس به پایان برسانید، به پایان برسانید؛ پایدار مانید، پایدار مانید؛ پس شکیبایی، پس شکیبایی؛ پس پارسایی، پارسایی. در این عبارت نیز شارحانی همچون حبیب‌الله خوئی (خوئی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۴) و ابن‌میثم بحرانی (ابن‌میثم بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۵۳) واژه «العمل» را «عمل صالح» تعریف کرده‌اند. البته در فرض چنین استنباطی که منظور امام صرفاً عمل صالح بوده باشد، تلاش برای دنیا نیز با نیت الهی مصداق عمل صالح است. چنانچه برخی مثل علامه جعفری آن را محدود و ناظر به عمل صالح برای عقبی ندانسته و کار و تلاش در بستر دنیوی را نیز اخذ کرده‌اند. ایشان در تبیین این کلام حضرت امیر می‌نویسد: «اگر کسی بخواهد ارزش و عظمت کار را به‌طور صحیح بفهمد، به زندگانی امیرمؤمنان و عشق او به کار مراجعه کند. ما در نهج‌البلاغه بیش از ۳۰۰ جمله درباره عظمت و ضرورت کار با کلماتی مانند (عمل) و (فعل)، (سعی)، (شغل)، (کدج)، (سبق) مشاهده می‌کنیم» (جعفری، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱-۱۶۲).

حضرت علاوه بر اینکه در مقام نصیحت، مردم را به کار و تلاش فراخوانده‌اند (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۱)، ارکان حکومت و استانداران خویش را نیز براساس آن قرار می‌دهد: «جِبَايَةَ خَرَجَهَا وَ جِهَادَ عَدُوَّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۲۵)؛ تا خراج آنها فراهم آورد و پیکار کردن با دشمنان و سامان دادن کار مردم و آباد کردن شهرهای آن. سیره حضرت امیر با کار و تلاش عجین شده است و در هر فرصتی به تلاش اقتصادی می‌پرداخت؛ به‌طوری که روایت شده است: «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ يَبْنَهُمْ فَإِذَا يَفْرُغُ مِنْ ذَلِكَ إِشْتَعَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۱)؛ امام علیؑ آنگاه که از جهاد فارغ می‌گشت، به تعلیم مردم و قضاوت بین آنها می‌پرداخت و هنگامی که از این کار آسوده می‌شد در باغچه‌ای که داشت با دست خود مشغول کار می‌شد و در همان حین انجام کار، مشغول ذکر نام خدا بود. روحیه عملی آن حضرت در موضوع کار و تلاش اقتصادی و نداشتن حساسیت منفی در انتخاب نوع کار با وجود موقعیت اجتماعی

کشور در هیچ شرایطی در زمینه تغذیه و در زمینه دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاست‌هایی است که ابلاغ شده. باید خودکفا باشیم؛ بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت‌کننده مورد توجه قرار بگیرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

امیرمؤمنان علیؑ رسیدن به مرحله‌ای که مردم تحت امر حاکمیت خویش از بهره‌مندی اقلام اولیه بی‌نیاز شده‌اند را برای همگان متذکر می‌شود؛ شرایطی از تأمین معاش که حتی امروز هم حتی در جوامع صنعتی وجود ندارد؛ چنانچه می‌فرماید: «أصبح بالكوفة أحد إنا ناعما، إن أدناهم منزلة، ليأكل البر، و يجلس في الظل، و يشرب من ماء الفرات» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۹۹)؛ همه مردم کوفه اکنون دارای وضعیت خوبی هستند؛ حتی پایین‌ترین افراد، نان گندم می‌خورد، خانه دارد، و از آب آشامیدنی خوب استفاده می‌کند.

این مسیر با «راحت‌طلبی» و «تن‌پروری» سازگار نیست و سختی‌های فراوانی را در پی خواهد داشت. از یک سو جامعه باید تحمل فشارهای حاصل از قطع کالای وارداتی را تحمل کند؛ از سوی دیگر نیز باید در همه عرصه‌ها تلاشی همه‌جانبه داشته باشد و زندگی راحت و در آسایش را به‌خاطر نتیجه‌های بزرگ‌تر و والاتر به کناری وانهد. بدین ترتیب خودکفایی جز در سایه ارتقاء فرهنگ کار و تلاش مضاعف و ارتقاء وجدان کاری کارگر و کارمند و... میسر نخواهد شد. برای تحقق خودکفایی باید زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه توسعه یابد و با مقوله بیکاری مبارزه کرد. از دیدگاه امام علیؑ، فقر اقتصادی، معلول پیوند فرهنگ کسالت، بی‌تحرکی، تنبلی و ناتوانی است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ص ۵۱)؛ چنانچه فرمودند: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ارْتَدَّجَتْ ارْتَدَّجَتْ الْكَسْلُ وَالْعَجْزُ فَتُنَجَّ مِنْهُمَا الْفَقْرُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۰)؛ هنگامی که موجودات جفت گردیدند، تنبلی و ناتوانی با یکدیگر جفت شدند و فقر از آن دو به وجود آمد.

امیرمؤمنان علیؑ برای خودکفایی ارزش زیادی قائل می‌شدند و گاه در تشویق مردم به تجارت، اصل رهایی از وابستگی را مطرح می‌کردند: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا لَكُمْ غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۳)؛ تجارت کنید و تا از آنچه در دست دیگران است بی‌نیاز شوید. در برخی بیانات حضرت، انگیزه فعالیت اقتصادی را نوعی انجام تکلیف می‌داند؛ زیرا با دادن مسئولیت به افراد برای رسیدگی به زیردستان، اعم از خانواده سببی و نسبی،

حضرت امیر برای آوردن مردم به میدان حضور، اولین قدم را ایجاد ارتباط صمیمی، پاسخ‌گویانه با مردم و پرهیز از هرگونه احتجاب می‌دانند. حضرت فرمودند: «إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۰، ص ۳۲۳)؛ حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم. ایشان به مالک اشتر در این باره می‌نویسند: «فَلَا تُطَوَّلَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ وَ قَلِيلَةٌ عَالِمٌ بِالْأُمُورِ» (همان، نامه ۵۳، ص ۳۲۷)؛ فراوان خود را از رعیت خویش پنهان مکن که پنهان‌شدن والیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در کارها. پیشنهاد حضرت هم‌نشینی هر صبح و شام با توده مردم است: «تَفَرَّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجَلِّسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا» (همان، نامه ۵۳، ص ۳۳۶)؛ خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین. «وَ اجْلِسْ لَهُمْ الْعَصْرَيْنِ» (همان، نامه ۶۷، ص ۳۵۱-۳۵۲)؛ در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۰۹). حضرت امیر شخصاً حتی در دوران امارت‌شان در بین مردم حضور داشتند: «يَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۸)؛ در تمام بازارهای کوفه می‌گشت، سپس برمی‌گشت و برای [رسیدگی به کارهای] مردم می‌نشست.

۲-۶. امنیت اقلام کاربردی و اساسی

روشن است که تا وقتی مسلمانان دست نیاز به‌سوی غیر خود دراز کنند، اعتماد به نفس، نخواهند یافت و به استعدادها و قابلیت‌های فراوان خود واقف نخواهند شد. تا زمانی که کشورهای مسلمان همه نیازمندی‌های خود را از کشورهای دیگر طلب کنند، رنگ پیشرفت را نخواهند دید و در جازدن را تمرین خواهند کرد. اگر قرار باشد فقر از جامعه‌ای رخت برنهد و رشد اقتصادی به‌صورت فزاینده‌ای شکل گیرد، باید «خودکفایی» به معنای واقعی آن، صورت پذیرد. به‌بیان دیگر، اگر قرار باشد در کشوری «تحولی جهادی در زمینه مسایل اقتصادی» روی دهد، مسلماً بدون تلاش همه‌جانبه در زمینه «خودکفایی» امکان‌پذیر نخواهد بود. رهبری با عنایت به رهایی از وابستگی خصوصاً در تهیه اقلام ضروری جامعه می‌فرماید:

مسئله ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه اول غذا و دارو، باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که

خداوند آن را با آنچه انسان به آن محتاج است، سیراب کرده: «فَجَعَلَهَا لِيَخْلُقِ مِنْهَا ذُرِّيَّةً وَبَسَطَهَا لِيَسْأَلَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۱۱، ص ۲۴۵)؛ پس آن را برای آفریدگان خویش همچون گهواره کرد و چون بستر برایشان گسترانید. و این انسان است که باید بتواند با آبادی سرزمین‌ها، از دل طبیعت نیازهای خویش را بیرون بکشند؛ «{خداوند متعال} بدان باران از زمین‌های نارویان، رستی، و از کوه‌ها گیاه تر برون آورد... و این همه را خوراک مردمان کرد و روزی جانداران {قرار داد}... چون آدم ؑ توبه کرد، او را فرود آورد تا با فرزندان خود زمین را آبادان سازد» (همان، خطبه ۹۱، ص ۸۲). امیرمؤمنان علی ؑ به تدبیر خداوند در استخدام و تسخیر طبیعت و جهان ماده توسط انسان اشاره می‌فرماید: «أَمَرْنَا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعَنَا وَأَقِيمْنَا عَلَى حُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَأَقَامْنَا» (همان، خطبه ۱۴۳، ص ۱۳۸)؛ آن دو - زمین و آسمان - به سود شما مأمور شدند و گردن نهادند، و برای مصلحت شما بر پاشان داشتند، و ایستادند. از این روست که حضرت کسانی که از کار و تولید باز مانده‌اند و نداشتن امکانات و محصور شدن به شرایطی خاص را بهانه کرده‌اند، سرزنش می‌کند و داشتن حداقل آب و خاک را برای رهایی از فقر و داشتن تولیدی که جامعه را از غیر بی‌نیاز کند کافی می‌داند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۶).

تأمین منابع اقتصادی کشور بدون ایجاد وابستگی به منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌تواند به پایداری نظام اقتصادی کمک کند. از جمله مهم‌ترین منابعی که امام بر پایه آن منابع، چرخ اقتصاد حکومت خویش را به چرخش درمی‌آوردند، خراج و زکات بود. حضرت در مورد اخذ قانونی خراج - که امروزه می‌توان نام مالیات بر آن نهاد - در نامه ۵۳ به مالک اشتر اصلاح امور حکومت را در گردآوری کامل و دقیق خراج می‌داند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۳؛ خوئی، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۴۵۲). اعزام مأموران زکات و تبیین وظایف آنها نشان می‌دهد دولت علوی جمع‌آوری و هزینه کردن زکات را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین مالی به‌شمار می‌آورد. ایشان در نامه خود به کارگزاران تأکید می‌کند زکات را به‌عنوان «حق الله» و خود را به‌عنوان نماینده خدا یا همان «خلیفه الله» معرفی کنند تا مردم زکات را به‌عنوان «واجب الهی» بدانند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۲۵).

توجیه اقدامات اقتصادی را از صرف دنیاطلبی و کار برای کسب لذت و درآمد به سمت عبادی و الهی سوق می‌دهد: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا خَلَالًا؛ تَعَطُّفًا عَلَى وَالِدٍ أَوْ وَلَدٍ أَوْ زَوْجَةٍ، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَوَجْهَهُ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (بغدادی، بی‌تا، ص ۲۲۸)؛ کسی که در دنیا طلب (روزی و مال) حلال کند، تا به واسطه آن بر پدر یا فرزند و یا همسر خود مهربانی کند، در روز قیامت چنان با خدای خود ملاقات می‌کند که رخساری چون ماه شب چهارده دارد.

کار و تلاش برای بقاء خانواده در بینش علوی مقدس‌تر از شمشیر زدن و جهاد است؛ چنانچه فرمود: «مَا غَدَوَةٌ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنْ غَدَوْتِهِ يَطْلُبُ لَوْلَدِهِ وَ عِيَالِهِ مَا يُصْلِحُهُمْ» (قاضی نعمان، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۹)؛ درآمدن شما - اول صبح - برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می‌کند بالاتر نیست (و ارزش و اجرش بیشتر نیست). بدین ترتیب نه تنها امام تلاش برای آبادی دنیا را مذموم نمی‌داند؛ بلکه تلاش مضاعف را برای ساختن دنیایی ایده‌آل مورد اهتمام قرار می‌دهند؛ آنچه مذموم است اشتغال به دنیا و غافل شدن از آخرت و تولای به آن است. حضرت می‌فرماید: «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانُ عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۶۹، ص ۴۱۰)؛ مردم در دنیا دو دسته‌اند، یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد، و دنیا او را از آخرتش بازداشت (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۹۵).

۲-۷. رهایی از وابستگی به منابع خاص

مشکلات حاصل از تحریم‌های ناعادلانه ضدجمهوری اسلامی ایران به‌روشنی ثابت کرد تا زمانی که وابستگی ایران به درآمد نفت و گاز وجود دارد، شمشیر تحریم بر سر اقتصاد ایران وجود خواهد داشت. رهبر معظم انقلاب نکته هفتم در اقتصاد مقاومتی را کاهش وابستگی به نفت می‌داند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۰/۱۲/۹۲). از مهم‌ترین راه کارهای کاهش وابستگی به نفت، کار و تلاش بیشتر برای استفاده بیشتر و بهینه از معادن و منابع طبیعی غیرنفتی است. با افزایش حجم استخراجات و اکتشافات، مقدمات افزایش تولید در قالب افزایش تولیدات بومی (در مقابل خام‌فروشی) و رشد ناخالص داخلی رقم خواهد خورد. مبنای علوی این سخن پذیرش این اصل است که انسان‌ها برای کسب روزی خود محتاج طبیعتی هستند که

۲-۸. مدیریت و اصلاح الگوی مصرف

رهبر معظم انقلاب موضوع هشتم در تبیین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی را مسئله اصلاح الگوی مصرف دانسته‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). اصلاح الگوی مصرف عبارت است از نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور به‌قسمی که سبب ارتقای شاخص‌های زندگی مردم و کاهش هزینه‌ها شده و از این منظر زمینه‌ای برای گسترش عدالت عمومی فراهم آید. پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌کردهای زائد، در وحله اول خطاب به مسئولان در زندگی شخصی و حوزه مأموریتی‌شان است، تا آنجا که این خصلت به مردم نیز سرایت کند.

مدیریت و اصلاح الگوی مصرف در سبک زندگی علوی در دو رفتار ظهور دارد.

الف. منع از اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی

اسراف در لغت تجاوز کردن از حد اعتدال معنا شده است (بستانی، بی تا، ج ۱، ص ۹۵۰)؛ تبذیر در لغت به معنای بذر پاشیدن است (همان، ص ۷۵). یک راهکار برای تاب‌آور شدن یک چرخه اقتصادی نسبت به فشارهای بیرونی تغییر نگاه از مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته افراد آن جامعه به پرهیز از اسراف و تبذیر و توصیه به مصرف بهینه است. افزایش غیرمنطقی مصرف و روحیه مصرف‌زدگی پیامدی جز خارج کردن سیستم عرضه و تقاضا از روال عادی خود و افزایش وابستگی بیرونی و طبیعتاً نابودی ندارد. چنانچه حضرت فرمودند: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْاِقْتِصَادَ اَهْلَكَهُ الْاِسْرَافُ» (تمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴)؛ هرکس میانه‌روی در مصرف را به‌خوبی رعایت نکند، اسراف او را از پای در خواهد آورد. حضرت امیر میانه‌روی را در مقابل اسراف قرار دادند و فرمودند: «از اسراف پرهیز، و میانه‌روی را برگزین؛ از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۰۱، نامه ۲۱). امام علیؑ بر صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری بیت‌المال تأکید می‌ورزد و به کارگزاران خود حتی در نامه‌نگاری توصیه‌ها می‌کند. این مرام در حدی بود که حتی از چراغ بیت‌المال به هنگام گفت‌وگو در منافع شخصی افراد استفاده نمی‌کرد (مرعشی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۳۹). از دیگر معانی اسراف در کلام حضرت امیر، استفاده از چیزی در

غیرموضوعش است: «إِنَّ اِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اِسْرَافٌ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، ق، خطبه ۱۲۶، ص ۱۲۴)؛ بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر، و اسراف یکی است. به‌خلاف اهل تقوا که حتی در لباس پوشیدن هم از حد اعتدال عبور نمی‌کنند: «مُبْسَهُمُ الْاِقْتِصَادُ» (همان، خطبه ۱۹۳، ص ۲۲۵)؛ پوشش آنان میانه‌روی است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳).

ب. قناعت

یکی از ارکان اساسی در اصلاح الگوی مصرف در فرهنگ علوی، پذیرش اکتفا به ضرورت‌ها و قناعت در نیازهاست. «قناعت» در لغت به معنای «فروکاستن» است، تا آنجا که فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد که از مصادیق آن، رضایت دادن به چیزی است که به او می‌رسد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۲۷). کوبیدن بر طبل مصرف‌گرایی برای استفاده از انواع خوراک، پوشاک و وسایل رفاهی - تفریحی و تسلیم ذائقه‌آفرینی‌های رسانه‌ای شدن؛ حتی اگر به وابستگی خارجی هم نیانجامد؛ باعث می‌شود با رشد نیازهای کاذب، به‌دلیل جوابگو نبودن تولیدات داخلی، تورم افزایش یابد. با توجه به تأثیر قابل‌توجهی که شتاب‌زدگی در مدیریت مصرف بر وابستگی به بیگانگان دارد؛ باید کوشید تا با حاکم کردن روح قناعت در بین مردم و بالطبع کاهش هدررفت هزینه‌های مالی، افزایش قدرت مردم بر تدارک معاش براساس منابع موجود داخلی رقم بخورد. امام علیؑ توانگری را نه در کثرت ثروت، بلکه در استقلال و بی‌نیازی از مردم معرفی می‌کند: «الْعِنَى الْاَكْبَرُ الْاِيْسُ عَمَّا فِي اَيْدِي النَّاسِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، ق، حکمت ۴۲۲، ص ۳۴۲)؛ برترین بی‌نیازی و دارایی نومیدی است از آنچه در دست مردم است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۷۱). حضرت در تفسیر آیه شریفه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ حیات طیبه را در قناعت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴). از همین رو حضرت سیراب‌شدن چشم و قلب را ثمره قناعت می‌داند: «مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّهُ الْقُلُوبُ وَ الْعْيُونَ غِنًى» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، ق، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۵)؛ با قناعتی که دل و چشم‌ها را از بی‌نیازی پر دارد.

۲-۹. مبارزه با فساد اقتصادی

یکی از دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مبارزه با اخلاص‌گران و

برهم‌زندگان جریان معیشت اقتصادی است. حضور مردم و سرمایه‌گذاران، رشد و توسعه، اشتغال سالم و مولد برای افزایش تولید ملی، نیاز به ثبات، امنیت و آرامش در بازار داد و ستد دارد و آرامش منوط به مبارزه بی‌امان با فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب با لحاظ این مهم فرمودند: «تکته نهم، فسادستیزی است... باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰).

برای مبارزه با فساد می‌توان از سیره مدیریتی امام علی^ع در چهار محور الگوبرداری کرد.

الف. تنظیم بازار

تنظیم بازار، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد متقابل دولت و ملت، در گروه اعتماد کارفرما و کارگر و تمامی اقشار جامعه نسبت به یکدیگر و نیز مبارزه با فرصت‌طلبی‌ها، رانت‌ها و احتکار و غیره است (دری نجف‌آبادی، ۱۳۷۹). حضرت ضمن سفارش به رسیدگی به امور بازاریان، خواستار برخورد نیروهای اجرایی خویش با کسانی بود که با احتکار یا کم‌فروشی توازن سیستم عرضه و تقاضا را مختل می‌کنند؛ چنانچه می‌فرمود «میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملاتی بد دارند، بخیل‌اند و در پی احتکارند. سود خود را می‌جویند و کالا را به هر بهای که خواهند می‌فروشند، و این سودجویی و گران‌فروشی زبانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس باید تا از احتکار منع کرد که رسول خدا^ص از آن منع فرمود؛ و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد.» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۳۳۵). حضرت با تمام مشغله‌های حکومت‌داری اکتفا به دستورات نمی‌کردند؛ بلکه شخصاً به تنظیم بازار کوفه اشراف داشتند. درباره ایشان گفته شده است که «همچون معلمی برای کودکان درحالی‌که تازیانه‌ای به‌دست می‌گرفت، در بازارها به‌راه می‌افتاد و توصیه می‌فرمود تقوای الهی را رعایت کنید و پیمانها را پر کنید (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲).

ب. بازرسی

بازرسی مستقیم بر داد و ستد مردم و سیستم اقتصادی حاکم بر بازار از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی است؛ چراکه رشد اقتصادی در گروه نظارت دائمی بر کسب و کار مردم است. حضرت امیر^ع از این اصل غافل نشدند و بازرسی بر بازار را به‌جد پی‌گیری می‌کردند. «امیرمؤمنان^ع، هر صبح‌گاه در بازارهای کوفه، یکی‌یکی می‌گشت... در برابر اهالی بازارها می‌ایستاد و فریاد می‌کرد: ای بازرگانان... از سوگند، پرهیزید و از دروغ، کناره‌گیرید. از ستم‌دوری‌گریزید و داد ستم‌دیدگان بستانید. به رباخواری نزدیک نشوید و وزن و ترازو را تمام کنید. اموال مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بر مدارید» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۴۹۷).

ج. مبارزه با ثروت‌های بادآورده

یکی از راه‌کارهای حضرت برای تقویت بنیه اقتصادی جامعه، مبارزه با ثروت کسانی است که از راه غیرمشروع کسب درآمد کرده‌اند. بازگرداندن ثروت‌ها به جریان عمومی اقتصادی جامعه مانع از بسط فقر و تضعیف اقشار کم‌درآمد می‌شود و ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی سالم را فراهم می‌آورد. حضرت دو روز پس از به حکومت رسیدن به سراغ اموالی رفتند که بدون دلیل شرعی در دوران عثمان به ملکیت عده‌ای خاص درآمده بود: «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ، وَ مَلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ، لَرَدَدْتُهُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵، ص ۱۶)؛ به‌خدا سوگند، {بیت‌المال تاراج شده را} هر کجا که ببایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم؛ گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۹). این جدیت بدان سبب است که امام، وظیفه حکومت را رساندن حقوق و اموال مردم به دستشان می‌داند و این امر را تکلیفی الهی بر می‌شمارد: «لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا... إِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِيهَا» (همان، خطبه ۱۰۵، ص ۹۸)؛ بر امام چیزی نیست جز... رساندن سهم‌های بیت‌المال به طبقات مردم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵).

د. مبارزه با مفاسد اداری

مبارزه با مفاسد اداری دولتمردان در نظر حضرت مقوله‌ای قابل اغماض و مسامحه نیست؛ چون اگر جامعه‌ای بدان مبتلا شود تمام طرح‌های اقتصادی‌اش در معرض نابودی قرار می‌گیرد. ایشان در این‌باره رعایت

(۳۷۳): ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست. همچنین می‌فرماید: «الْأَسُّ أَيْبَاءُ مَا يُحْسِنُونَ وَ قَدْرُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُ فَتَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۸)؛ مردم فرزندان کارهای نیکویی هستند که مرتکب می‌شوند و ارزش هر کس به اندازه کاری است که آن را نیکو انجام می‌دهد؛ پس آنگاه که عالمانه سخن می‌گویند منزلت شما مشخص می‌شود. این تعلیم‌سازنده حضرت، دلیل روشنی است بر ارزش «تخصص» و «کارشناسی» و اهمیت بدل‌ناپذیر آن (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰).

نتیجه‌گیری

در حوزه مطالعات دینی، مقایسه دیدگاه رهبر معظم انقلاب در تدوین سیاست اقتصاد مقاومتی با آنچه از سیره علوی به یادگار مانده است، مبین این واقعیت است که مقوله اقتصاد مقاومتی الگویی امروزی از شیوه مدیریت و حکومت‌داری حضرت علیؑ در موضوع معیشت مردم و اقتصاد خرد و کلان جامعه است.

این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال برآمد که مبانی نظری مؤلفه‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی چگونه و تا چه اندازه در کلام امیرمؤمنان علیؑ تبیین یافته و به سیره آن حضرت قابل استناد است؟ رهبر معظم انقلاب، الگوی عملی نظام اسلامی را حکومت علوی می‌داند و اقتصاد مقاومتی را یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ اسلامی دانسته‌اند. بی‌شک یکی از ظرفیت‌های بالقوه فرهنگ اسلامی، کلام امام علیؑ است. در این تحقیق مبانی نظری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره و سنت علوی بررسی شد. بررسی‌های انجام‌شده به روش استنادی - تحلیلی در بیانات حضرت امیر نشان داد مؤلفه‌هایی ابلاغی اقتصاد مقاومتی از قبیل: عدالت اجتماعی، تکیه بر ظرفیت داخلی، مبارزه با فساد اقتصادی، رویکرد جهادی، خودکفایی در نیازهای اولیه، مدیریت و اصلاح الگوی مصرف، به‌طور چشم‌گیری مورد اهتمام امام علیؑ بوده است. معرفت به چنین واقعیتی علاوه بر آنکه نشان می‌دهد نظریه اقتصاد مقاومتی در فرمایشات رهبری به تأسی از مجموعه اقداماتی است که حضرت علیؑ در طی دوران حکومت خویش در قلمروی حاکمیتی خود مدنظر داشته؛ می‌تواند در عمل دارای حداقل دو مزیت غیرقابل انکار باشد: اول اینکه احراز می‌شود اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری انقلاب، مقوله‌ای مستقل از پیش حضرت امیرؑ در

اصولی مثل نظارت و محاسبه، شایسته‌سالاری با تکیه بر اصل معنویت، توسعه سطح رفاه در بین نیروهای اجرایی را لازم می‌دانستند و می‌فرمود: «سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار... کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و روزی‌شان کمتر... سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راست‌گو و وفای‌شده بر آنان بگمار» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹). امامؑ برای اینکه مانع رشوه‌خواری در نظام اداری‌اش شود، حتی گرفتن هدیه را نیز ممنوع کرد: «إِيْمًا وَال... أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُوًّا» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۱)؛ هر والی... اگر هدیه قبول کند خیانت کرده است.

۱۰-۲. ارزش علم و معرفت در نظریه اقتصاد مقاومتی

تکتنه دهم از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، مسئله دانش‌محوری است که این‌هم یک مشخصه بسیار مهمی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۲/۱۲/۲۰). نقش علم و دانش در اقتصاد به دلیل ایجاد تخصص و بهبود بهره‌وری عوامل تولید از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه فناوری و دانش به عنوان عوامل درون‌زا در رشد اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. اقتصاد دانش‌بنیان بدین معناست که از توسعه و انباشت علم برای رفع مشکلات و رسیدن به شاخصه‌های توسعه اقتصادی استفاده شود؛ چراکه مبنای تولید ثروت در دنیا به تولید علم و فناوری و استفاده از آنها وابسته است (سنایی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). امام علیؑ سفارش می‌کند که هر کاری (اعم از اقتصادی و غیره) باید با علم و مهارت لازم انجام گیرد: «فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۲)؛ آنکه نادانسته کاری کند، مانند کسی است که به بیراهه رود. هرچه در آن راه پیش راند، از مقصود خود دورتر ماند، و آنکه از روی دانش‌کننده کار است، همچون رونده در راه آشکار است. حضرت امیر درباره ارزش تخصص فرموده است: «قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ» (جزائری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۸۱، ص

ص ۹۷-۱۳۳.

حرعاملی، محمدبن حسین، بی تا، *وسائل الشیعه*، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البیت.

خوئی، حبیب‌الله، ۱۳۵۶، *منهاج البراعه*، قم، مکتبه الاسلامیه.

درخشه، جلال و مرتضی فخری، ۱۳۹۵، «گسترده مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۸۱.

دری نجف‌آبادی، قربانعلی، ۱۳۷۹، «مبارزه با فساد در حکومت علوی»، *حکومت اسلامی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۲۵۳-۲۹۲.

دشتی، محمد، ۱۳۹۰، *امام علی و اقتصاد اسلامی*، قم، امیرالمؤمنین.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷، *چشمه خورشید*، تهران، خانه اندیشه جوان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، *مفردات*، ترجمه حسین خداپرست، قم، نوید اسلام.

سینایی فر، اکبر و همکاران، ۱۳۹۲، *الزامات و ارکان اقتصاد مقاومتی*، اصفهان، ستارگان درخشان.

شمس‌الدین، محمد مهدی، ۱۳۶۱، *جستجویی در نهج البلاغه*، ترجمه محمود عابدی، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۰ق، *أمالی*، چ پنجم، بیروت، اعلمی.

_____، ۱۴۰۴ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

_____، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، شریف الرضی.

طبرسی، رضی‌الدین، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.

طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۹ق، *مجمع البحرین*، تهران، بعثت.

فیض کاشانی ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، چ دوم، تهران، صدر.

فیومی مقری، احمد، ۱۹۸۷م، *مصباح المنیر*، بیروت، مکتبه لبنان.

قاضی نعمان، ابوحنیفه، ۱۳۷۲، *دعائم الاسلام*، ترجمه عبدالله امینوار، کابل، اسماعیلیان.

قربانی، زین‌العابدین، بی تا، *عوامل همکاری و اعتماد بین مردم و حکومت در دیدگاه نهج البلاغه*، رشت، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۶۲، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام اسلامی.

_____، ۱۳۸۱، *سیاست‌نامه امام علی*، ترجمه مهدی مهریزی، چ سوم، قم، دارالحدیث.

مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ایزهات الباطل*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معلوف، لوئیس، ۱۳۷۷، *المنجد*، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، صبا.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *أمالی*، قم، کنگره شیخ مفید.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۲، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.

مباحث اجتماعی و اقتصادی نیست؛ دوم آنکه به واسطه باورپذیرتر شدنش، زمینه برای تحقق و اجرای این اندیشه در فرهنگ عمومی جامعه بیش از پیش فراهم می‌شود؛ زیرا اقتصاد مقاومتی براساس این پیش‌فرض طراحی شده که کشور در تعارض دائمی با نظام سلطه است؛ لذا با نشان دادن مجهز بودن این ایده به اندیشه دینی علوی، راه برای نهادینه‌شدن آن مهیاتر خواهد شد. ثمره عینی تحقیقی این امر آن است که در فضای سیاسی کنونی کشورهای اسلامی و بخصوص دوران دولت انقلابی، مسئولان اجرایی به دلیل یا (به بهانه) مسائل معیشتی و اقتصادی مردم، خود را ناگزیر به دست کشیدن از اهداف ایدئولوژیک و انقلابی و نیز سلطه‌پذیری و وادادگی سیاسی ناشی از آن نمی‌پندارند.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

_____، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

ابن ابی‌الحدید معتزلی، عزالدین ابوحامد، ۱۳۳۷، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی‌طالب*، قم، علامه.

ابن‌فهد حلی، احمد، ۱۴۰۷ق، *عدة الساعی و نجاح الساعی*، تصحیح احمد موحدی قمی، بیروت، دارالکتب الاسلامی.

ابن‌میثم بحرانی، کمال‌الدین، ۱۴۱۷ق، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.

اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز، بنی‌هاشمی.

برقی، احمدبن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.

بستانی، بطرس، بی تا، *محیط المحيط*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

بغدادی، عبدالعزیز بن اسحاق، بی تا، *مسند الامام زید*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir

ترابزاده جهرمی، محمدصادق، ۱۳۹۲، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»،

مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جزائری، نعمت‌الله، ۱۴۰۸ق، *کشف الأسرار فی شرح الإستبصار*، قم، دارالکتاب.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۹، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، مشهد، آستان قدس رضوی.

جهانیان، ناصر، ۱۳۸۹، «نظریه جامع عدالت»، *فلسفه دین*، سال هفتم، ش ۶